

## گزارش و معرفی ۲

ایضاح مخالفة السنّة لنصّ الكتاب و السنّة،  
علّامه حلّی، تحقیق بی‌بی سادات رضی  
بهبابادی. تهران: کتابخانه مجلس شورای  
اسلامی، قم: دلیل ما، ۱۳۸۷ شمسی؛ ۳۳۵ ص.

عبدالحسین طالعی \*

علّامه حلّی (۶۴۸ - ۷۲۶ ه.ق.)، مشهورتر از آن است که به معرفی نیاز داشته  
باشد. بزرگ مردی که به تربیت ده‌ها دانشمند دیگر - به ویژه فرزندش  
فخرالمحققین - همّت گمارد. علاوه بر آن، ده‌ها اثر در زمینه‌های مختلف - به ویژه  
فقه و کلام - به جای نهاد. در شرح حال او، برخی از دانشمندان شرقی و غربی، تک  
نگاری‌هایی دارند، مانند: مکتبه العلامة الحلّی / سید عبدالعزیز طباطبایی؛ مقدمه  
جامع و مبسوط کتاب الالفین / سید محمدمهدی خراسان نجفی، اندیشه‌های  
کلامی علامه حلّی / زابینه اشمیتکه. و این غیر از ده‌ها مورد منابع دیگر از دانشوران  
شیعه و سنی است که درباره او در ضمن کتابهای خود سخن گفته‌اند.  
علامه حلّی در باب تفسیر نیز کتابهایی نوشته که تنها یکی از آنها به دست ما

---

\*. عضو هیئت علمی دانشگاه قم.



رسیده است: «ایضاح مخالفة السنة لنص الكتاب و السنة». از این کتاب تفسیر - که صبغة کلامی دارد - فقط بخشی از آن به دست ما رسیده که از آیه ۲۱۲ سوره بقره آغاز می شود و به آخرین آیه سوره آل عمران پایان می پذیرد. مؤلف، خود، این بخش را جزء دوم کتابش دانسته که در جمعه ۲۰ شوال ۷۲۳ از تألیف آن فراغت یافته است. ضمناً وعده می دهد که جزء سوم این کتاب در باب سوره نساء خواهد بود. آیا ایشان بقیه این کتاب را نوشته است یا نوشته و به دست ما نرسیده است؟ به قرینه سال تألیف این جزء - که واپسین سال حیات علامه و سه ماه قبل از رحلت اوست - احتمال اول، قوی تر به نظر می رسد. اما در مورد جزء اول کتاب (سوره حمد و آیات نخستین سوره بقره) جواب روشنی نداریم، چون نسخه ای از آن تاکنون دیده و شناخته نشده است.

به هر حال، این جزء - یعنی تنها بخش موجود از کتاب - برای نخستین بار چاپ شده و همت مصحح آن را - که اکنون عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء است - باید ارج نهاد که به این خدمت، اهتمام ورزیده است. نیز در اینجا باید یاد شود از محقق فقید مرحوم استاد علی اکبر غفاری که به عنوان پایان نامه، راهنمایی این رساله را برعهده گرفته و برگی درخشان در کارنامه باقیات صالحات خود ثبت کرده است.

مصحح در مقدمه مبسوط خود، پس از توضیحی کوتاه در مورد زندگی نامه علامه حلی و اشاره به منابع شرح حال ایشان (ص ۹ - ۱۴) به کتابهای تفسیری او اشاره می کند (ص ۱۴ - ۱۷)، آنگاه به ویژگی های کتاب حاضر می پردازد: روش تفسیری، اثرپذیری این کتاب از تبیان شیخ طوسی و برخی لغزش های جزئی (ص ۱۷ - ۲۳). پس از آن، توضیح می دهد که علامه حلی در این تفسیر، نقد دیدگاه های اشاعره را - که اکثریت اهل تسنن را تشکیل می دادند - مورد نظر دارد و مخالف آنها با نصوص کتاب و سنت را روشن می سازد. (ص ۲۳ - ۲۴)

مصحح، برخی از عناوین این مخالفت را بدین گونه برمی شمارد:

صدور کذب از جانب خداوند (ص ۲۵)، فعل بنده (ص ۲۷)، هدف افعال الهی (ص ۲۸)، استطاعت (ص ۲۹)، نقش طاعت و گناه (ص ۲۹)، حسن و قبح (ص ۳۱)، صفات الهی (ص ۳۱)، اراده خدا (ص ۲۲)، قدرت خدا (ص ۳۲)، رزق (ص ۳۳)، توفیق (ص ۳۳)، متعلق اراده الهی (ص ۳۴)، عصمت امام (ص ۳۵)، افضلیت امام (ص ۳۸)، ایمان (ص ۳۹)، استبطاء نصرت الهی از جانب رسول (ص ۴۰)، کرامات اولیاء (ص ۴۳).

این بخش - حدود بیست صفحه - را می توان دانشنامه ای کوچک از عقاید اشاعره و نقد آنها توسط علامه حلّی، یا به تعبیری، خلاصه و چکیده کتاب دانست. پس از آن، مصحح، نسخه های خطی مورد استفاده خود، به ویژه نسخه کتابخانه مجلس را - که بخش عمده آن به خط مؤلف است - می شناساند (ص ۴۴ - ۴۶)، و به کارهای خود در تحقیق و تصحیح کتاب می پردازد (ص ۴۴ - ۴۶).

متن کتاب از صفحه ۵۱ آغاز می شود، که همراه با تعلیقات مصحح در تکمیل مطالب کتاب و نیز اشاره به اختلاف نسخه ها در پاورقی، حدود ۲۷۰ صفحه دربر دارد.

کتاب با آوردن نمونه نسخه های خطی، نمایه عام (اعلام و طوائف و مکانها)، و سرانجام، کتابشناسی منابع تحقیق و تصحیح و مقدمه، پایان می یابد. در اینجا به چند نکته اشاره می شود که در تکمیل این اثر نفیس در چاپ های بعدی مفید خواهد بود:<sup>۱</sup>

۱. برخی از منابع مورد استفاده محقق، در ضمن فهرست منابع نیامده است، مانند: هدیه العارفین / بغدادی؛ موسوعة طبقات الفقهاء / سبحانی؛ النجوم الزاهرة / اتابکی و موارد دیگر.

۲. در صفحه ۱۰ اشاره شده که برای علامه حلّی، لقب «آیت الله» به طور مطلق به

۱. در نگارش این نکات، از یادداشت کوتاه و محققانه جناب دکتر باقر قربانی زرین بهره فراوان برده ام که لطف ایشان را سپاس می گزارم.

- کار می‌رود. بد نبود که در اینجا، دو سه مدرک به عنوان نمونه یاد می‌شد.
۳. در معرفی منابع (پایان کتاب)، نام مصححان منابع کهن یاد نشده، در حالی که فواید مترتب بر یادکرد این نامها بر اهل پژوهش پوشیده نیست.
۴. منابع زندگی‌نامه علامه حلی که در صفحات ۹ و ۱۰ یاد شده، بهتر است که به جای ترتیب الفبایی، ترتیب زمانی داشته باشد.
۵. برخی خطاهای مطبعی و ویرایشی در کتاب هست که باید در بازخوانی دقیق، تصحیح شود، از جمله: کلمه «فاء» که به شکل «فأ» آمده (ص ۸۵ س ۱۶)؛ حرف «ی» گاهی با دو نقطه در زیر آمده (مانند ص ۱۳۷، پاورقی ۱) و گاهی بدون این نقطه‌ها (مانند ص ۸۴، پاورقی ۲)، که باید یکدست شود.
۶. شرح حال ابن عباس و قتاده (ص ۵۵ پاورقی ۲ و ۳)، فقط از کتاب الاعلام زرکلی نقل شده که بهتر است به منابع کهن استناد شود.
۷. از آنجا که متن و حواشی کتاب به زبان عربی است، خوب بود مصحح بزرگوار، تمام مقدمه خود را به عربی می‌آورد و چکیده آن را به فارسی، تا دو گروه از آن بهره کامل ببرند، هم کسانی که از متن عربی آن بهره می‌گیرند و هم کسانی که از ترجمه فارسی آن استفاده می‌کنند؛ یا به عکس این ترتیب، یعنی در کنار مقدمه مفصل فارسی (حدود پنجاه صفحه)، مختصری از آن به عربی درج شود تا خوانندگان عرب زبان نیز با این کتاب و ویژگی‌های آن آشنا شوند.
۸. با توجه به این که این کتاب را می‌توان یک دانشنامه علم کلام دانست، افزودن یک نمایه موضوعی - الفبایی، دست کم به زبان عربی، فایده آن را صدچندان می‌کند. غفلت از فوائد فراوان نمایه‌های موضوعی - الفبایی، کاربرد بسیاری از متون معتبر ما را - که مانند سرچشمه‌های جوشان علوم هستند - محدود می‌سازد؛ با آن که تهیه نمایه، کاری چندان دشوار نیست. و با توجه به گسترش علم نمایه‌سازی، به راحتی می‌توان فواید یک کتاب را مضاعف ساخت.
- بیان نکات انتقادی یاد شده، از ارزش و فایده کتاب نمی‌کاهد؛ چرا که این کتاب

برای نخستین بار چاپ شده و اهتمام مصحح و ناشر در این کار ابتکاری، بسیار ستودنی است.

از محسنات کتاب نیز، می‌توان موارد زیر را یاد کرد:

۱. چاپ چشم‌نواز و کم غلط که خواننده را به خواندن آن ترغیب می‌کند.  
 ۲. افزودن پاورقی‌های توضیحی برای تکمیل کار مؤلف، به ویژه مواردی که ارتباط سخن مؤلف با کلام شیخ طوسی در تفسیر تبیان، روشن شده است، که بخش عمده آنها در صفحات ۵۱ تا ۸۰ آمده است.

این گفتار را با سخن کوتاه و ارزنده استاد رسول جعفریان پایان می‌دهم که - به عنوان ریاست کتابخانه مجلس - در مقدمه کوتاه خود نوشته است:

«کتاب حاضر، یک اثر جاودانه از مردی فرهیخته است که به «دانش اختلاف» آگاهی دارد و از سر معرفت به سراغ اندیشه‌های دیگران می‌رود. او می‌کوشد تا مبانی این اختلاف‌نظرها را در مقایسه با منابع دینی به‌خصوص قرآن نشان دهد. در این زمینه، در قرآن تأمل می‌کند و به سنجش آراء و افکار با قرآن می‌پردازد.

یکی از مهم‌ترین فواید این اثر برای جامعه علمی ما همین است که بدانند دانشمندانش تا چه اندازه به نقطه نظرات مذاهب دیگر آگاهی داشته و چگونه همزمان، ضمن احترام به مذهب مخالف، نشان می‌دهد که برای او علم و دانش و استدلال از همه چیز مهم‌تر است. این که یک تمدن، مانند تمدن اسلامی، انسان‌هایی را پرورش دهد که تابع استدلال و دلیل باشند، نشانگر بلوغی است که در اساس آن تمدن وجود دارد. در عین حال، این تمدن اسلامی، وقتی راه به جایی خواهد برد که دست از اختلاف‌نظرهای بی‌اساس و اتهامات واهی بردارد و همزمان با مهر و عطوفت اسلامی، به بحث درباره مهم‌ترین معضلات علمی و دینی و اجتماعی خود بپردازد.»

علو درجات مؤلف علامه، و توفیق روزافزون مصحح و ناشر را از خدای متعال مسئلت می‌دارم.